



## سلطان الواعظین شیرازی، الگوی تبلیغ

حسن اردشیری

خوانندگان ارائه گردد.

### ولادت

سید محمد بن سید علی اکبر سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله در ماه ذی قعدة سنه هزار و سیصد و چهارده هجری قمری متولد شد. حسب و نسب ایشان به حضرت ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می شود.<sup>۱</sup> مرحوم سلطان الواعظین شیرازی به خاطر نشو و نما در یک خانواده بزرگ و با عظمت، چه از نظر حسب و

یکی از علمای اسلام، سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله است که به خاطر ویژگیهای منحصر به فردش توانسته است آثار و برکات ارزشمندی را در حیات و ممات خود به یادگار بگذارد. نام سلطان الواعظین، خصالی همچون شجاعت، هنر مناظره و خطابه، حافظه قوی و اطلاعات فراوان را تداعی می کند. با تورق در مراحل مختلف زندگی وی می توان درسهای ارزشمندی به دست آورد. از این رو، سعی می شود تا اطلاعات و آموزه هایی از حیات علمی و اخلاقی و تبلیغی این سلطان سریر و عظم و خطابه به محضر

۱. اختران تابناک یا کشف الکواکب، حاج شیخ ذبیح الله محلاتی، تصحیح محمد جواد نجفی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۹ ش، ص ۴۹۱.

جوامع اسلامی، برای وعظ، خطابه و تبلیغ دین مبین اسلام به کشورهای عراق، سوریه، فلسطین، اردن هاشمی، مصر و هندوستان مسافرت کرد و با دانشمندان ادیان مختلف مناظراتی داشت.<sup>۱</sup>

### آثار

این عالم الهی مباحث ارائه شده در مجلسهای مختلف سخنرانی و مناظره را به صورت کتاب گرانبهای «شبهای پیشاور»، «صد مقاله سلطانی» و «گروه رستگاران» منتشر کرده است که به جهت اعتبار نویسنده و مطالب عالیه کتاب مورد استقبال فراوان واقع شده و چاپهای فراوانی از آنها منتشر شده است.<sup>۲</sup>

### رحلت

آن مرحوم پس از دوران کسالت در ۲۰ شعبان المعظم ۱۳۱۹ ق، مصادف با ۱۹ مهر ماه ۱۳۵۰ ش به ملکوت اعلی پیوست.<sup>۳</sup>

نسب و چه از نظر علم و تقوا، توانست مراتب علمی و اخلاقی را با سرعت طی کند.

### تحصیلات و تبلیغات

متأسفانه در مورد شخصیت کم نظیری چون مرحوم سلطان الواعظین شیرازی، اطلاعات بسیار کمی در تواریخ و تراجم ثبت شده است که باعث گمنامی و مظلومیت این بزرگ پرچمدار دفاع از حریم تشیع علوی می باشد. و اگر نبود مطالب بسیار کم و پراکنده ایشان در کتاب سترگ و شریف و ماندنی «شبهای پیشاور» امروز در نوشتن این مقاله کوتاه نیز عاجز بودیم و نمی توانستیم این اطلاعات ناچیز را به علاقه مندان و اهل علم ارائه کنیم.

ایشان پس از دوران تحصیلات در حوزه های علمیه تهران، قم و کربلا و بهره مندی از محضر نورانی اساتید معروف و مشهوری همانند آیه الله آقا سید ابو الحسن اصفهانی و مرحوم آیه الله حائری یزدی و رشد علمی و عملی، به نویسندگی و تبلیغ پرداخت. وی به خاطر توجه به مسلمانان

۱. همان (با تلخیص).

۲. همان.

۳. ر.ک: تقویم قدسی، ۱۳۸۳، به کوشش و اشراف علی اکبر الهی خراسانی، بنیاد

### مسافرت‌های تبلیغی

شاید تصور شود که با تولد رسانه‌های فراگیر جمعی، مثل: مطبوعات و تلویزیون و رادیو، دیگر نیاز به مسافرت‌های تبلیغی و به اصطلاح امروز حوزه، هجرت نیست؛ ولی بررسی روانشناسانه ارتباطات دو به دو گوینده و مخاطب و ارتباط زنده با یک معلم و مبلغ نشان می‌دهد که هنوز بهترین راه ترویج یک فرهنگ و تأثیرپذیری یک رفتار در ارتباط نزدیک و زنده‌ای است که به واسطه مسافرت‌های تبلیغی به وجود می‌آید.

و به واسطه سابقه تاریخی یک جامعه دینی مثل ایران در رشد آموزه‌های دینی و فرهنگی و حتی توسعه اقتصادی توسط همین منبرهای ساده و بی‌پیرایه مساجد و تکایا، می‌توان گفت که با همه ارزش‌گذاریهایی که می‌توان برای نقش رسانه‌های فراگیر قائل شد، هنوز مسافرت‌های تبلیغی و هجرت بهترین و مؤثرترین روش تنویر افکار عمومی به حساب می‌آید. و به واقع می‌توان این برنامه تبلیغی را در سیره مرحوم

سلطان الواعظین علیه السلام دید. ایشان سفرهای خود را به کشورهای اسلامی و از جمله هند و پاکستان به واسطه همین بینش طرح ریزی کرد که ثمرات ارزشمندی را به همراه داشته است.

### استقبال از برنامه‌های سلطان

#### الواعظین علیه السلام

یکی از مسائلی که در حاشیه سفرهای تبلیغی مرحوم سلطان الواعظین علیه السلام وجود دارد، نحوه برخورد بزرگانی بود که در مسافرت به کشورهای مختلف مانند هند با وی ارتباط داشتند. مثلاً یکی از مناظرات مرحوم سلطان الواعظین با علمای هند و و براهمه در شهر دهلی اتفاق افتاد که گانندی رهبر فقید مردم هند نیز به احترام سلطان الواعظین در این جلسه حضور داشت.<sup>۱</sup>

و یا شخصیتی معروف مانند سردار محمد سرور خان که از بزرگان قزلباش در شهر سیاکلوت و رئیس اداره عدلیه و مورد احترام اهالی بود با جمعیت بسیاری از طبقات مختلف،

پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

۱. همان، ص ۹۳.

بسیار دردناک می‌باشد؛ ولی ایشان با صبر و متانت و حوصله قابل توجهی به جواب و تنویر افکارشان پرداخت. شاید به خاطر همین متانت در برخورد علمی وی بوده که همیشه در مناظرات موفق بوده است.<sup>۳</sup>

و شاید علت این امر این بوده است که خود ایشان در ابتدای کتاب شبهای پیشاور می‌گوید: «گر چه آنها خیلی گرفته و ملول بودند، ولی چون داعی<sup>۴</sup> نظر خصوصی و تعصب و عناد جاهلانه نداشتیم، به وظیفه اخلاقی خود عمل می‌کردم.»<sup>۵</sup>

پس موفقیت در مناظرات و محاورات علمی و فرهنگی نیازمند آن است که از تعصب و عناد جاهلانه دور باشد و با صبر و بردباری و کسب اطلاعات، انجام وظیفه شود.

استقبال شایان توجهی از مرحوم سلطان الواعظین کرد.<sup>۱</sup> وقتی یکی از علمای بزرگ شهر لاهور می‌شنود که مرحوم سلطان الواعظین وارد پنجاب شده است، آن قدر نامه می‌دهد و دعوت می‌کند تا ایشان به لاهور بروند که ایشان نیز به خاطر اصرار وی می‌پذیرد و وارد لاهور می‌شود؛ حال آنکه به شدت عزم حرکت به سوی ایران را داشت.<sup>۲</sup>

### صبر و بردباری

شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین رمز موفقیت مرحوم سلطان الواعظین در سیره تبلیغی‌اش، علاوه بر اطلاعات وسیع و فن بیان و... صبر و بردباری وی بوده است. بارها پیش آمده است که طرفهای مناظره وی با بیان تندى به نقد وی پرداخته‌اند. هر چند که این نقدها پوچ بوده است، ولی نماینده تفکراتی است که امروزه به طور گسترده در بین عوام همان ملتها (چه هندی و چه غیر آنها) مطرح است. حتی به مسئله سیادت وی و نیز مسائل دیگری پرداختند که برای ما شیعیان

۱. همان.

۲. همان.

۳. در صورتی که یک دور کتاب شبهای پیشاور را توروک کنید، به این سیره حسنه مرحوم سلطان الواعظین رحمته الله علیه به کرات برخورد خواهید کرد.

۴. منظور خود مؤلف، سلطان الواعظین شیرازی است.

۵. شبهای پیشاور، ص ۹۷.

### شناخت مخاطب

یکی از مسائلی که امروزه گریبان‌گیر خیلی از منابر و تریبون‌ها شده است، عدم توجه به مخاطب و رعایت سطح علمی آنان می‌باشد. شاید بتوان شناخت مخاطب را مهم‌ترین مؤلفه در امر تبلیغ به حساب آورد؛ امری که هر مبلغی با آن دست به گریبان است و در صورت رعایت این مسئله می‌تواند به نتایج خوبی برسد.

کسانی که شبها در مناظرات مرحوم سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله شرکت می‌جستند، در مورد رمز موفقیت جلسات فوق به وی می‌گفتند: «به قدری شما مطلب را روشن و عوام‌فهم بیان می‌کنید و به زبان مخاطب صحبت می‌کنید که تمام بی‌سوادان [و عوام] ما را جذب کرده‌اید.»<sup>۱</sup>

### ثمرات تبلیغی و مناظرات

شاید خود مرحوم سلطان الواعظین شیرازی هم بر این باور نبوده است که بتواند پس از چند جلسه مناظره، شیرینی تشریف بعضی از مستمعین صاحب‌مقام و منزلت

اجتماعی را به مذهب تشیع بچشد. اما صبر و متانت و اطلاعات جامع و روش مناظره وی، باعث شد تا چند تن از بزرگان هندوستان مانند: ۱. عبد القیوم نواب؛ ۲. سید احمد علیشاه؛ ۳. عندم امامین (از تجار محترم)؛ ۴. عندم حیدرخان (از اعیان سرحدی)؛ ۵. عبد الاحد خان (از تجار محترم پنجاب)؛ ۶. عبد الصمد خان (از رجال و ملاکین معروف) در ابتدای جلسه نهم مناظرات، تشریف خویش را به تشیع علوی به مرحوم سلطان الواعظین اعلام کنند؛ البته آن مرحوم از آنها خواست به خاطر اینکه جلسات به سرانجام خوبی برسد، اظهار تشیع نکنند.<sup>۲</sup> در نتیجه، آنها در انتهای جلسه دهم مناظره، شب تولد امام حسین علیه السلام تشریف خود را علناً اعلام کردند.<sup>۳</sup>

### منادی وحدت اسلامی

مرحوم سلطان الواعظین رحمته الله خاطره‌ای را در مورد برخورد بعضی از علمای متعصب اهل سنت بیان

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۷۱۵.

۳. همان، ص ۹۶۵.

می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه توانسته است با بیان بلیغ خود حریمهای کاذب ایجاد شده در بین دو فرقه بزرگ تسنن و تشیع را پاره کند و محبت و دوستی را ترویج دهد. نقل این خاطره می‌تواند برای مبلغینی که در میان اهل سنت هستند و یا با محیطهایی که برادران اهل سنت زندگی می‌کنند، ارتباط دارند، آموزه‌ای ارزشمند باشد.

ایشان نقل می‌کنند: «در ۱۹ جمادی الثانی سال ۱۳۷۱ هجری که از زیارت مسجد الاقصی (بیت المقدس) مراجعت می‌کردم و عازم دمشق بودم، اول شب جهت اداء فریضه به مسجد جامع عمان در شرق اردن (که مسجدی بسیار زیبا می‌باشد) وارد [شدم]. جامعه مسلمین اهل تسنن نماز مغرب را خاتمه داده، بعضی خارج و بعضی هم به اداء نوافل مشغول بودند. داعی هم به گوشه مسجد رفته، به اداء فریضه مغرب و عشا مشغول بودم.

پس از فراغت فریضه و نوافل، متوجه شدم که بعضی از آنها به داعی سخت غضبناک‌اند؛ مخصوصاً عالمی

در بالای سکوی مرکز قرائت قرآن با چند نفری اشتغال به قرائت داشتند و شدیداً ناظر به حال داعی بودند. پس از خاتمه تعقیبات از مسجد خارج و به گاراژ رفته، منتظر حرکت اتومبیل بودم. پس از صرف غذا صدای مؤذن مسجد که اعلام نماز عشا را می‌داد، داعی را متوجه ساخت که اگر حرکت کردیم، ممکن است در راه اتومبیل توقف نکند و توقفی برای اداء نوافل شب فراهم نیاید، خوب است الحال که فراغتی هست، برویم به مسجد تا اداء نوافل نموده، با خیال آسوده حاضر حرکت باشیم. پس از تجدید وضو به مسجد رفته از درب بزرگ عمومی وارد نشدم، از درب گوشه غربی آخر شبستان بزرگ (که مربع مستطیل است) وارد شده، در کنار یکی از ستونهای بزرگ که جای خلوتی بود، به اداء نوافل مشغول شدم.

دیدم آن عالمی که ساعتی قبل به قرائت مشغول و به داعی بد نظر بود، جمعیت را بعد از فراغ از نماز جمع کرده و در وسط آنها ایستاده، در اطراف شرک و مشرک صحبت می‌کند تا بعد

از مقدماتی رشته سخن را کشانید به جایی که با کمال حدت و شدت گفت: «شما مسلمانان مسئولید. روز قیامت باید جواب دهید؛ برای آنکه خدا فرموده مشرکین نجس هستند، آنها را به مسجد راه ندهید! ساعتی قبل یک مشرک بت پرست نجس به مسجد آمد و در حضور همه شما سجده به بت نمود. شما او را ترد نکردید. من مشغول قرائت بودم، شما مرده بودید! چرا نباید ازاله نجاست شرک از مسجد بنمایید و رافضی مشرک بت پرست را دفع کرده یا به قتل برسانید؟ چه آنکه مشرک در مسجد مسلمانان اگر بت پرستی کرد، قتلش واجب است.» چنان با حرارت خطابه و تحریک احساسات مردم بی خبر را نمود که اگر من حاضر در آن محل بودم، قطعاً کشته می شدم.

بعد از اتمام خطابه، نصف جمعیت آمدند که از درب آخر شبستان بیرون بروند. داعی در نماز وتر بودم، نشستم تا جلب نظر آنها نشود؛ ولی دفعتاً چشمشان به داعی افتاد، چنان در حال حمله اطرافم را

گرفتند و با مشت و تک پا آزارم می دادند که حساب نداشت. پیوسته خطاب می کردند: قُمْ یا مُشْرِك! اُخْرِجْ یا مُشْرِك! از حیات به کلی مأیوس بودم تا موقع تشهد که گفتم: «اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد أن محمداً عبده و رسوله» اختلاف میان آنها افتاد. به هم می گفتند: «چگونه مشرکی است که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت خاتم انبیا می دهد؟» دسته ای می گفتند: «مانمی دانیم، قاضی می گفت رافضی و مشرک است و البته قاضی غلط نمی گفت.» آنها در اختلاف و گفتگو بودند که داعی سلام نماز داده، جانی گرفته با قوت قلبی جهت دفاع آماده و با نطق و خطابه مفصلی (به لسان عربی) که اینک مجال بیانش نیست، آنها را مجاب و مغلوب و دوست خود نموده و آن قاضی را مرد مرموز معرفی کرد که می خواهد از جهت تفرقه و جدایی مسلمانان وسیله قهر و غلبه بیگانگان ستمکار را بر مسلمین آماده و مهیا کند.

خلاصه از داعی عذر خواهی کرده، حتی تقاضای پذیرایی از داعی را

جدا نمودند که به عذر آنکه عازم حرکت به دمشق هستم، تودیع و حرکت کردم.»<sup>۱</sup>

### معرفی دو اثر از آثار سلطان

#### الواعظین

##### ۱. شبهای پیشاور

از ره آوردهای ارزشمند مرحوم سلطان الواعظین شیرازی رحمته الله علیه کتاب «شبهای پیشاور» است که حاصل مناظرات ایشان با چند تن از علمای اهل سنت در پیشاور پاکستان بوده و ابتدا توسط ارباب جراید و مجلات هند و سپس با تصرفاتی توسط مؤلف به چاپ رسیده است. این اثر شریف شامل این مباحث است:

- فضایل اهل بیت علیهم السلام در کتب اهل سنت؛

- حسب و نسب مؤلف؛

- سؤال و جواب هارون و موسی

بن جعفر علیه السلام؛

- در باب ذریه رسول الله صلی الله علیه و آله؛

- در مورد سفر سادات هاشمی به

ریاست شاه چراغ و چگونگی شهادت

آنها؛

- جواب اشکال تراشیهای مخالفین

مذهب شیعه؛

- بررسی عقاید زیدیه، کیسانیه،

قداحیه، غلات، امامیه؛

- اخبار خرافی؛

- بحث و بررسی شرک و نسبت آن

به شیعه؛

- آداب زیارت؛

- بحث در اطراف امامت؛

- بحث در اطراف نبوت؛

- حدیث منزلت؛

- تهمتهای مخالفین به شیعیان؛

- بررسی اخبار ابو هریره؛

- سیصد آیه در شأن حضرت

علی علیه السلام؛

- مباحثات علمی و مناظرات دینی؛

- بررسی خلافت ابوبکر، عمر و

عثمان؛

- وقایع مختلف در مورد فضیلت

حضرت علی علیه السلام؛

- اشکال حدیث «حبّ علی حسنة»؛

- بررسی قیام امام حسین علیه السلام؛

- بررسی غدیر و سقیفه؛

- بررسی رفتار حضرت فاطمه علیه السلام.

۱. همان، صص ۲۲۴-۲۲۵، پاورقی.



طاهرین علیهم السلام رسیده تا آنجا که پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ.»

پس قطعاً ابا عبد الله الحسین علیه السلام حبّ جاه و ریاست دنیا را طالب نبوده و برای چنین ریاست فانیه جانبازی نکرده و اهل بیت خود را به اسارت نداده و اگر کسی با علم به این معنی، آن حضرت را دنیا طلب بخواند، حتماً منکر قرآن مجید گردیده است.»

سپس نویسنده محترم به بیان دلائل ملموس تری می پردازد. به این شرح که:

«اولاً قیام حضرت ابا عبد الله الحسین علیه السلام علیه یزید پلید اگر جنبه جاه طلبی و ریاست داشت، نبی مکرم صلی الله علیه و آله امر به یاری آن حضرت نمی کرد؛ چنانکه اخبار بسیاری از طرق اهل سنت در این باب رسیده که به یکی از آنها اکتفا می کنیم:

شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۶۰ «ینایع المودة» از تاریخ بخاری و بغوی و ابن المساکین و... غیر هم نقل می کند از انس بن حارث بن بعبه که گفت: شنیدم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله که

بحثهای مختلف فراوان دیگری که در این اثر شریف موجود است، برای هر طلبه طالبی که می خواهد در مورد پذیرش مذهب تشیع، عالمانه تحقیق کند و دیگران را از این سفره گسترده الهی بهره مند سازد، به کار می آید.

#### دو نکته از کتاب شبهای پیشاور

به عنوان نمونه و به جهت معرفی بهتر کتاب ارزشمند شبهای پیشاور، دو مورد از پرسشها و یا بهتر بگوئیم ادعاهای اهل سنت نسبت به شیعیان از این کتاب نقل کرده و پاسخ مؤلف را نقل می کنیم.

۱. آیا قیام امام حسین علیه السلام برای ریاست

ظاهری بود؟

در پاسخ پرسش فوق در این کتاب آمده است:

«آیه تطهیر دلیل بر عصمت پنج تن آل عباست از ارجاس و پلیدیها و بدیهی است از اهم پلیدیها حب جاه و مقام و توجه به دنیای دنی است که آیات و اخبار بسیاری در مذمت این دنیا یعنی علاقه به ریاست این دنیا روی هوای نفس مانند امرا و سلاطین و طلاب آنها، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه

فرمود: «إِنَّ ابْنِي هَذَا يَغْنِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِأَرْضٍ يُقَالُ لَهَا كَرْبَلَا فَمَنْ شَهِدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ فَخَرَجَ أَنَسُ بْنُ الْحَارِثِيِّ إِلَى كَرْبَلَا فَقُتِلَ بِهَا مَعَ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَبِئْسَ مَعَهُ؛ به درستی که این پسر من حسین کشته می‌شود در زمین کربلا. پس هر کس از شما آن روز حاضر باشد، باید او را یاری کند. [آن‌گاه نوشته است:] انس بن حارث به سوی کربلا رفت [و به دستور پیغمبر عمل کرد] و با ابا عبد الله الحسین که خداوند از او و همراهانش راضی باشد، کشته شد.»

پس معلوم می‌شود قیام آن حضرت در کربلا قیام به حق بوده، نه حب ریاست مشنوم.

از اینها گذشته، اگر معترضین فکر کنند، از خود عمل و حرکت آن حضرت تا شهادت و اسیری اهل بیت طهارت، حق و حقیقت ظاهر و هویدا می‌باشد؛ زیرا اگر فردی در مملکتی حب ریاست داشته باشد و بخواهد بر دولت خروج کند، هرگز، با عیال و اطفال حرکت نمی‌کند؛ اطفال صغیر و زن حامله و بیچه شیرخوار با خود نمی‌برد، بلکه تنها و منفرد و با یک عده

زبده سواران کاری حرکت می‌کند. پس از آنکه بر دشمن غالب [شد] و محور کار به دستش آمد و روزگار بر وفق مسرادش شد، آن‌گاه عیالاتش را می‌طلبد.

حرکت دسته جمعی حضرت ابا عبد الله عليه السلام با عیالات و اطفال صغیر خود، دلیل کامل است که آن حضرت به قصد ریاست و خلافت ظاهر و غلبه بر خصم نیامده و اگر چنین قصدی داشت، قطعاً به سمت یمن می‌رفت که همه از دوستان خود و پدر بزرگوارش و ثابت قدم در ارادت بودند. آنجا را مرکز کار قرار داده، آن‌گاه با تجهیزات کامل حملات خود را شروع می‌کرد.

ولی خود آن حضرت می‌دانست که وسیله غلبه ظاهری فراهم نمی‌شود؛ لذا حرکت آن حضرت با هشتاد و چهار زن و بچه برای یک نتیجه نهایی اساسی بود؛ چون که امام می‌دید شجره طیبه لا اله الا الله را که جد بزرگوارش خاتم الانبیاء عليه السلام با خون جگرها غرس و آبیاری او را با خونهای شهداء بدر و احد و حنین کرد و به دست باغبانی مانند علی بن ابی طالب عليه السلام سپرد که از

او نگه‌داری کند؛ ولی به واسطه خارج کردن باغبان عالم دانا با ظلم و تعدی و تهدید به شمشیر و قتل و آتش و کوتاه کردن دست او از آبیاری شجره طیبه، اساس و بنیان باغ توحید و نبوت رو به نابودی می‌رفت، لذا قطعاً آبیاری شجره طیبه و درخت شریعت بایستی با خونابه‌های قومی قوی شود؛ لذا دست بهترین جوانان و اصحاب و اطفال صغیر خود را گرفت. برای قربانی (آبیاری شجره طیبه لا اله الا الله) به سمت کربلا حرکت کرد.<sup>۱</sup>

۲. آیا نذرهایی که شیعیان می‌کنند،

شرک است؟

در پاسخ به این پرسش، در کتاب شبهای پیشاور آمده است: «در تمام رسائل عملیه فتاوای جمیع فقهای شیعه است که چون نذر بابی از ابواب عبادات است، در التزام به عملی برای خدا حتماً در موقع نذر بایستی دو شرط منظور گردد که اگر یکی از آن دو نباشد، نذر منعقد نمی‌شود؛ اول نیت مقارن با عمل؛ دوم صیغه به هر لسانی باشد.

صورت حقیقت پیدا نمی‌کند، مگر به وجود این دو شرط، سعی می‌کند اول معنای این دو شرط و چگونگی آنها را بفهمد و بعد نذر کند.

وقتی در مقام سؤال از فقیهی یا مطالعه رساله‌ای بر آمد، می‌فهمد که اولاً باید نیت در تمام عبادات، مخصوصاً در نذر لله و فی الله و طلباً لمرضات الله باشد. پس نیت برای غیر خدا به کلی از بین می‌رود. شرط دوم که تتمیم شرط اول و تثبیت کننده آن می‌باشد، آن است که نذر کننده حتماً باید در موقع نذر صیغه بخواند و در صیغه تا نام خدا نباشد، صیغه جاری نمی‌شود.

مثلاً می‌خواهد نذر روزه بکند، بایست بگوید: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَصُومَ». یا می‌خواهد ترک شرب کند، باید بگوید: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أَتْرُكَ شُرْبَ الْخَمْرِ». و به همین طریق است تمام نذورات.

و چنانچه اجرای صیغه عربی برای فارسی زبان یا هندی زبان یا غیر آنها میسور نباشد، می‌تواند به زبان خود اهل هر قوم و ملت اجرای صیغه بکند؛ به

همین که مسلمان فهمید که نذرش

شرط آنکه معنای آن مرادف با صیغه مزبوره باشد. و اگر در نیت غیر خدا باشد یا دیگری را از زنده یا مرده با نام خدا داخل کند، خواه نام پیغمبر یا امام یا امام زاده باشد، قطعاً آن نذر باطل است و اگر عمداً از روی علم این عمل را بکند مشرک است؛ چه آنکه صریحاً در آیه مذکوره فرماید: «وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup>.

البته بر اهل علم لازم است که بی‌خبران را بفهمانند که نذر باید حتماً به نام خدا و برای خدا باشد؛ چنان‌که وعاظ و مبلغین پیوسته انجام وظیفه می‌کنند.

فقه‌های شیعه عموماً بیان دارند که نذر برای هر زنده یا مرده و لو پیغمبر و امام باشد، باطل است و اگر عالماً بنماید، مشرک است. نذر را باید برای خدا بنمایند؛ ولی در مصرفش مختارند به هر جا قرار بدهند. مثلاً نذر می‌کنند گوسفندی برای خدا به فلان سید ذریه رسول الله ﷺ یا عالم یا یتیم یا فقیری بدهند، عیب ندارد.

ولی اگر نذر کند برای پیغمبر یا امام یا امام زاده یا عالم یا یتیم و بینوا، حتماً باطل است و اگر از روی علم و تعمد

باشد، قطعاً شرک است.<sup>۲</sup>  
«ما شیعیان، آل محمد ﷺ را مستقل در حل و عقد امور نمی‌دانیم، بلکه آنها را عباد صالحین و واسطه فیض از مبدأ فیاض می‌دانیم و توسل ما به آن خاندان جلیل بر حسب دستور رسول اکرم ﷺ می‌باشد که در بسیاری از اخبار امر فرموده که برای نجات از مهالک، متوسل به عترت و اهل بیت من شوید! حضرت فاطمه علیها السلام در ابتدای خطبه فدکیه می‌فرماید: «وَأَحْمَدُ اللَّهُ الَّذِي لَفَطَمَتِهِ وَتُورِهِ يَنْتَعَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَتَحْنُ وَسِيلَتُهُ فِي خَلْقِهِ»<sup>۳</sup>.

حمد می‌کنم خدای را که از پرتو نور عظمتش اهل آسمانها و زمین و سیله‌ای به سوی او جستجو می‌کنند. و ماییم و سیله او در میان خلق.»

مرحوم سلطان الواعظین به بسیاری از مسائل مبتلی به مبلغین و مردم در مورد مسائل دینی توجه داشته و به

۱. کهنه / ۱۱۰.

۲. شبهای پیشاور، صص ۲۱۱-۲۱۳.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۴، ص

۷۹، به نقل از: شبهای پیشاور، ص ۲۱۹.

برای آشنایی بیشتر خوانندگان به شرح زیر معرفی می‌شود:

قوانین و احکام انبیا راهنمای بشر است؛ امتیاز بشر به عقل است؛ روش انتخاب دین؛ تولد حضرت موسی علیه السلام و موضوعاتی پیرامون آن حضرت؛ مقدمه‌ای در توحید و صفات ثبوتیه و سلسله خدائونسد؛ مقدمه در وجوب عصمت انبیا و نقد تحریفاتی در مورد فرزند حضرت داود علیه السلام و حضرت عمران علیه السلام و...؛ امتیاز بشر نسبت به حیوانات؛ ویژگیهای دعوت انبیا؛ در مورد حضرت موسی علیه السلام و موضوعات همگن؛ در مورد اسناد انجیل؛ اختلاف اقوال و احوال راویان اناجیل؛ اختلاف اناجیل و عقیده تثلیث؛ بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معجزات آن حضرت؛ معراج و قرآن و....

و همچنین موضوعات بکر و اندیشمندانه دیگری که می‌تواند اطلاعات گرانبهایی به همه خوانندگان ارائه کند.

۱. ر.ک: صد مقاله سلطانی، سلطان الواعظین شیرازی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، ج دوم، بی‌تا.

حل شبهات وارده پرداخته است. بنابراین، علاقه‌مندان می‌توانند با مطالعه این اثر شریف به اطلاعات خود بیفزایند و عالمانه با مسائل دینی برخورد کنند.

## ۲. صد مقاله سلطانی

کتاب ارزشمند دیگری که از مرحوم سلطان الواعظین شیرازی علیه السلام به یادگار مانده است و شایسته است مورد توجه و مذاقه قرار گیرد، اثر شریف و گرامی «صد مقاله سلطانی» است.

این اثر همان طور که از نامش پیداست، به صورت مقالات، توسط مؤلف محترم در روزنامه دینی «پرچم اسلام» به مدیریت دکتر سید عبد الکریم فقیهی شیرازی، منتشر می‌شد و بعدها حسب الامر مراجع بزرگ دینی و تقاضای دوستان علم و ادب و دین برای اثبات حق و درک عموم، به صورت کتاب با عنوان «صد مقاله سلطانی» به چاپ رسید. عنوان فرعی آن «راهنمای یهود و نصاری و مسلمین در معرفت به تورات و انجیل و قرآن مجید» می‌باشد.<sup>۱</sup> و گزاف نیست اگر گفته شود که این

اثر، از اولین آثار تطبیقی می‌باشد که منتشر شده است. بعضی از مقالات آن